



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 11, No. 2, 2023
Research Paper

The application of Garcés's model in the analysis of Fouladvand's translation of Surah An'am (case study: semantic-lexical level)

Fatemeh Kazemi, Morteza Zare Beromi

PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Allama Tabatabai University, Tehran, Iran

Assistant professor, Arabic Language Translation, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran

Abstract

Garcés's model in the analysis of interlingual translation includes four levels: semantic-lexical, morphological-syntactic, discourse-functional, and stylistic-practical. Each of the four mentioned levels includes subcategories that provide the possibility of extensive and comprehensive analysis in interlingual translation with a combined approach. In this research, the application of the semantic-lexical level of Garcés's model is considered, and Fouladvand's translation of Surah An'am is selected as a research case. The research method is descriptive-analytical. The findings of the research show that Fouladvand has used strategies such as definition or explanation, cultural or functional equivalence, syntactic expansion, syntactic reduction, and translation of a specific word into a general word and a general word into a specific word in the translation of Surah An'am. The semantic-lexical level of Garcés's model has two other subcategories: ambiguity and adaptation; Fouladvand's translation of Surah An'am, for example, faces the challenge of creating ambiguity due to the multiple meanings of the words of the Holy Quran in the context of the verses. Adaptation means removing the cultural reference of the source language in the target language and replacing it with an unrelated reference, adaptation is an irrational strategy in interlingual translation; This strategy does not exist in Fouladvand's translation of Surah An'am.

Keywords: The Holy Quran, Translation, Fouladvand, Garcés's model, Semantic-lexical level.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2023.135618.1826>

مقاله پژوهشی

کاربست الگوی گارسس در تحلیل ترجمه فولادوند از سوره انعام (مطالعه موردی: سطح معنایی - لغوی)

فاطمه کاظمی^۱، مرتضی زارع برمی^{۲*}

۱- دکتری تخصصی زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

fatemehkazemi43@yahoo.com

۲- استادیار گروه مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

m.zare@du.ac.ir

چکیده

الگوی گارسس در تحلیل ترجمه بینابانی، شامل چهار سطح معنایی-لغوی، صرفی-نحوی، گفتمانی-کارکردی و سبکی-منظورشناختی است. هریک از چهار سطح یادشده شامل عنوان‌های دیگری است که در مجموع، امکان تحلیل گسترده و جامع ترجمه بینابانی را با رویکرد ترکیبی فراهم می‌آورند. در پژوهش حاضر، کاربرد سطح معنایی-لغوی الگوی گارسس مدنظر است و ترجمه فولادوند از سوره انعام به عنوان مورد پژوهشی انتخاب شده است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند فولادوند در ترجمه این سوره از راهبردهای تعریف یا توضیح، معادل‌یابی فرهنگی یا کارکردی، بسط نحوی، قبض نحوی و معادل‌گزینی واژه خاص با واژه عام و بالعکس استفاده کرده است. الگوی گارسس در سطح معنایی - لغوی، دو زیرمجموعه دیگر نیز دارد که نخست [تشخیص] ابهام و دیگری اقتباس است. ترجمه فولادوند از سوره انعام، برای مثال، به دلیل چندمعنایی واژگان قرآن کریم در بافت آیات با چالش ابهام‌آفرینی مواجه است. اقتباس به معنای حذف ارجاع فرهنگی زبان مبدأ در زبان مقصد و جایگزین ساختن آن با ارجاع غیر مرتبط، یک راهبرد غیر عقلایی در ترجمه بینابانی است. این راهبرد در ترجمه فولادوند از سوره انعام نمودی ندارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه، فولادوند، الگوی گارسس، سطح معنایی - لغویی

۱- طرح مسئله

باید در چهار سطح معنایی-لغوی، صرفی-نحوی، گفتمانی-کارکردی، و سبکی-منظورشناختی تا حد امکان اصل برابری را حفظ کنند؛ هرچند این سطوح گاهی در هم تداخل نیز پیدا می‌کنند (Garcés, 1994, 79). هر کدام از چهار سطح الگوی گارسس، زیرمجموعه‌هایی دارند که عبارت‌اند از:

کارمن والرو گارسس،^۱ زبان‌شناس اسپانیایی، مبتکر یکی از الگوهای مشهور در مطالعات ترجمه است. الگوی پیشنهادی گارسس بر مبنای رعایت اصل تعادل، میان متن مبدأ و ترجمه آن به زبان مقصد شکل گرفته است. از دیدگاه وی متن مبدأ و مقصد

سنجش ترجمه‌های فارسی قرآن کریم در قالب نقدها و بررسی‌های مکتوب و شفاهی از جمله رویدادهایی است که دست‌کم در دو دهه اخیر رونق بیشتری گرفته است؛ با این حال، به نظر می‌رسد هنوز در آغاز راه هستیم و ترجمه‌های فارسی، برای بهتر شدن، نیازمند توجه جدی ترجمه‌پژوهان است. این سخن به معنای هیچ یا کم انگاشتن کوشش‌های پژوهشی گذشته نیست؛ زیرا فعالیت‌های ذیل در زمره امور اثبات شده است و انجام فعالیت‌های علمی جدید با هدف توسعه و تعمیق فعالیت‌های سابق صورت می‌پذیرد:

- تهیه منابع معتبر آموزش ترجمه و نیز نقد و تحلیل ترجمه همواره مدنظر صاحب‌نظران ترجمه و ترجمه‌پژوهان بوده است؛

- نقدها و تحلیل‌های صورت‌گرفته از ترجمه‌های قرآن کریم در پیشرفت مترجم‌ها و نیز بهبود ترجمه‌های صورت‌گرفته از قرآن کریم مؤثر بوده‌اند؛

- کاربران زبان فارسی به‌واسطه پژوهش‌های صورت‌گرفته در ترجمه‌های قرآن کریم به‌مرور از ترجمه‌های بهتری بهره‌مند شده‌اند که بدون تردید، این موضوع به ترویج دین‌مداری در جامعه اسلامی کمک رسانده است؛ با این حال، مشارکت در فعالیت‌های یادشده و همچنین برداشتن گام‌های جدید در مسیر نقد و تحلیل نظام‌مند ترجمه‌های قرآن کریم، همواره اهمیت و ضرورت ویژه داشته و گذر زمان خدشه‌ای به ماهیت و اهمیت راهبردی این فعالیت‌ها وارد نساخته است.

ترجمه محمد مهدی فولادوند از قرآن در زمره بهترین ترجمه‌ها به زبان فارسی است و بر همین اساس، ترجمه یادشده دارای ویژگی‌هایی است که آن را شایسته بررسی می‌کند. بخشی از این ویژگی‌ها به شرح ذیل‌اند:

- نوع ترجمه: روش ترجمه آمیخته‌ای از دو روش ترجمه محتوایی/معنایی و ترجمه تحت‌اللفظی است؛ یعنی ترجمه مترجم از قرآن کریم، روشن و شیوا و نیز مطابق با متن آیات کلام الله است. هدف مترجم از ترجمه معنایی انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ به زبان معیار متن

(الف) سطح معنایی-لغوی: تعریف یا توضیح، معادل فرهنگی یا کارکردی، بسط نحوی، قبض نحوی، ابهام، معادل‌گزینی واژه خاص با واژه عام یا بالعکس، اقتباس؛

(ب) سطح صرفی-نحوی: ترجمه تحت‌اللفظی یا یک‌به‌یک، تغییر نحو یا دستورگردانی، تغییر مقوله، جبران، بسط معنی، تلویح، تقلیل و حذف، تغییر نوع جمله؛

(ج) سطح گفتمانی-کارکردی: حذف یا نادیده گرفتن منظور متن مبدأ، حذف حواشی، تغییر به دلیل اختلاف‌های فرهنگی اجتماعی، تغییر لحن، تغییر درون‌ساختاری متن مبدأ، تعدیل محاوره‌ای در دو سطح کلمه‌ای و ورای کلمه‌ای؛

(د) سطح سبکی-منظورشناختی: بسط خلاقانه، اشتباه مترجم، حفظ اسامی خاص یا اعلام، حفظ ساختار بومی یا ویژه متن مبدأ، ترجمه نامناسب عناصر متن مبدأ، شرح و بسط به قیمت ساده‌سازی، تغییر در صنایع ادبی (Ibid, 81-83).

الگوی گارسس به سبب ظرفیتی که در تعیین میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه‌شده و نیز میزان مطابقت آنها با متن مبدأ دارد، به‌عنوان چهارچوبی کارآمد، در راستای ارزیابی میزان مقبولیت و کفایت انواع ترجمه‌ها [به ویژه ترجمه‌های قرآن کریم] در نظر گرفته می‌شود (امرائی، ۱۳۹۷ش، ص ۲).

رواج ترجمه‌های متعدد و متنوع از قرآن کریم به زبان‌های مختلف، نشان‌دهنده توجه روزافزون مسلمانان و غیر مسلمانان به شناخت و فهم بیشتر کلام الله است. این فرایند، شاخص مطمئنی است که نشان می‌دهد میزان توجه به قرآن کریم و مراجعه به آن در فرهنگ اسلامی کشورهای غیر عرب‌زبان، به‌ویژه در ایران پس از انقلاب اسلامی، بیشتر و بهتر شده است؛ با این همه، از یک نکته نباید غفلت ورزید؛ اینکه اهمیت و ظرافت ترجمه متون مقدس با ترجمه متون غیر مقدس مقایسه‌پذیر نیست؛ از این رو، مترجم‌ها و ترجمه‌های متون مقدس، نیازمند ارزیابی و نقد همیشگی هستند.

است و درست به همین دلیل، پژوهش حاضر با وجود آثاری که الگوی گارسس را مبنای نقد و تحلیل ترجمه‌های قرآن کریم قرار داده‌اند، همچنان می‌تواند چشم‌اندازهای بدیعی را از ترجمه‌پژوهی در قرآن کریم نزد مخاطبان نمایان سازد؛ با این حال، اشاره‌ی توصیفی به آثار پژوهشی مرتبط با بحث حاضر یک موضوع ضروری است.

رحیمی خویگانی در مقاله خود با عنوان «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس» (۱۳۹۶ش)، انتخاب‌های واژگانی مترجم را در سطح یادشده به نقد گذارده و براساس زیرمجموعه‌های سطح معنایی-لغوی نتیجه گرفته است که موسوی گرمارودی در فرایند ترجمه قرآن کریم از توضیح و تفسیر واژگان و نیز همانندسازی و معادل‌گزینی استفاده کرده و نیز اقدام به قبض و بسط واژگانی و انتقال ابهام داشته است.

رعنا فرهادی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی ترجمه‌های قرآن کریم براساس مدل گارسس (مطالعه موردی: سوره‌های الطور، الحاقه و البلد در ترجمه‌های بهاءالدین خرمشاهی، طاهره صفارزاده و محمود حسن شیخ‌الهند)» (۱۳۹۷ش)، موضوع همخوانی ترجمه‌های مذکور از قرآن کریم با هنجارهای زبان فارسی را به بحث می‌گذارد تا مقصدگراترین ترجمه را به کاربران زبان فارسی معرفی کند. وی با مراجعه به مؤلفه‌های الگوی گارسس و ملاک قرار دادن این مؤلفه‌ها نتیجه گرفته است که ترجمه خرمشاهی نسبت به ترجمه‌های صفارزاده و شیخ‌هند از هماهنگی و همخوانی بیشتری با هنجارهای زبان فارسی برخوردار است.

امرابی در مقاله خود با عنوان «نقد و ارزیابی ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴م) (مطالعه موردی سوره بقره)» (۱۳۹۷ش)، ره‌آورد گارسس در مطالعات ترجمه را مناسب نقد کیفی ترجمه‌های قرآن دانسته و از کاربست الگوی گارسس در ترجمه یزدی به این نتیجه رسیده است که مترجم در ترجمه قرآن، رویکرد

مقصد است (جواهری، ۱۳۹۵ش، صص ۴۱-۴۰). مترجم در ترجمه معنایی می‌کوشد ساختار معنایی زبان مبدأ را در ساختار دستوری زبان مقصد قرار دهد. به عبارت دیگر، وی از راهیابی ساختارهای دستوری زبان مبدأ به زبان مقصد جلوگیری می‌کند (جلالی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۵).

- نثر ترجمه: اسلوب و زبان ترجمه به فارسی امروز، ساده و شیواست؛

- مطابقت با متن: این ترجمه از مطابقت بی‌نظیر با اصل کلام الله برخوردار است و باید آن را مهم‌ترین ویژگی ترجمه فولادوند از قرآن کریم دانست؛

- توضیحات: این ترجمه توضیحات مختصری شامل ظاهرکردن مراجع ضمائر، حروف ربط و دیگر افتادگی‌ها دارد که با دقت در قلاب قرار گرفته‌اند؛

- هماهنگی شیوه ترجمه: روش مترجم به‌صورت یکسان در سراسر ترجمه حفظ شده است؛

- هماهنگی در ترجمه واژه‌های مشابه: مترجم به رعایت این موضوع توجه داشته است.

به‌منظور محدودساختن دامنه پژوهش در ترجمه فولادوند از قرآن کریم، سوره انعام، انتخاب و از الگوی گارسس، سطح معنایی-لغوی در نظر گرفته شد. سوره انعام یکی از مجموع انتخاب‌های ممکن برای پژوهش بود و انتخاب سطح اول از مجموع چهار سطح الگوی گارسس به دلیل همخوانی زیرمجموعه‌های این سطح با سبک ترجمه فولادوند صورت گرفت. در پژوهش حاضر، دو سؤال کلیدی وجود دارد:

- بارزترین مؤلفه‌های سطح معنایی-لغوی الگوی گارسس در ترجمه فولادوند از سوره انعام چیست؟
- علت بارزبودن این مؤلفه‌ها در ترجمه فولادوند از سوره انعام چیست؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

کاربست سطح معنایی-لغوی الگوی گارسس در تحلیل ترجمه فولادوند از سوره انعام، یک فعالیت پژوهشی جدید

مخاطب‌محوری دارد. افزون بر این، مترجم در دو سطح سبکی-منظورشناختی و معنایی-لغوی بسیار دقیق است؛ اما در سطح گفتمانی-کاربردی این دقت را ندارد و بنابراین، گاهی سبک و پیام ترجمه وی از سبک و پیام زبان مبدأ فاصله می‌گیرد.

آذرشب، ملکی و اسداللهی در مقاله خود با عنوان «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای براساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر)» (۱۳۹۸ش)، الگوی چهار سطحی مذکور را «مبتنی بر اصل برابری بین متن مبدأ و مقصد دانسته‌اند» (همان، ص ۲۲۵). آذرشب و همکارانش از مقایسه ترجمه‌های فولادوند و الهی قمشه‌ای با یکدیگر نتیجه گرفته‌اند که در سطح معنایی-لغوی، ترجمه فولادوند بسط معنایی بیشتری دارد و ترجمه الهی قمشه‌ای با قبض معنایی، ابهام واژگانی و توضیح بیشتری مواجه است. در سطح صرفی-نحوی، ترجمه فولادوند با انتقال غیر دقیق ساختارهای صرفی و نحوی مبدأ روبه‌روست و ترجمه الهی قمشه‌ای با جابه‌جایی ساختارها مواجه است. در سطح گفتمانی-کاربردی، ترجمه فولادوند و الهی قمشه‌ای به دلیل تحت‌اللفظی بودن و نیز معنایی بودن با تغییر در لحن و منظور آیات روبه‌روست. این مقوله در ترجمه فولادوند به دلیل گرایش قوی مترجم به ترجمه معنایی و نیز با در نظر گرفتن تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی زبان مبدأ و مقصد نمود بیشتری یافته است؛ و در سطح سبکی-منظورشناختی، ترجمه الهی قمشه‌ای بیش از ترجمه فولادوند با تغییر در کاربرد صنایع بلاغی مواجه است. در مجموع، یافته‌های مقاله آذرشب و همکارانش، دست‌کم به دو دلیل نیازمند بازنگری است: نخست اینکه الگوی گارسس مبتنی بر اصل تعادل بین زبان‌های مبدأ و مقصد است و نه برابری؛ دوم اینکه فولادوند و الهی قمشه‌ای در زمره مترجمان شاخص هستند و نقد منفی ترجمه‌های این دو باید با احتیاط کامل صورت پذیرد.

انسیه سادات هاشمی در رساله خود با عنوان «مطالعه تطبیقی کارآمدی الگوهای گارسس و برمن در نقد ترجمه قرآن» (۱۳۹۸ش)، به موضوع مبدأگرایی و مقصدگرایی ترجمه‌های قرآن کریم پرداخته است. وی به‌منظور روش‌مند ساختن پژوهش مذکور از الگوی مبدأمدار برمن^۲ در ارزیابی ترجمه رضایی اصفهانی، از الگوی مقصدمدار گارسس در ارزیابی ترجمه مکارم شیرازی و از تلفیق الگوهای برمن و گارسس در ارزیابی ترجمه صوفی استفاده کرده است. هاشمی از پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که الگوهای برمن و گارسس در ارزیابی ترجمه مفیدند؛ اما با این حال، پژوهشگر باید دقت داشته باشد که الگوهای ترجمه نقدپذیرند و بنابراین، نباید به این الگوها اعتماد کامل داشت.

۲- مبانی نظری پژوهش: سطح معنایی-لغوی الگوی گارسس

سطح معنایی-لغوی، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نخستین سطح از الگوی چهار سطحی گارسس در تحلیل ترجمه است. این سطح مجموعه‌ای از عنوان‌های مرتبط با مقوله‌های معنایی و زبانی را در خود دارد که در فارسی با تعداد و نیز نام‌های مختلفی به شهرت رسیده‌اند؛ اما معمولاً به مسائل مشترکی اشاره دارند.

۱-۱-۲- تعریف یا توضیح

تعریف، اشاره به معنا یا معادل مشهور واژه زبان مبدأ است که در زبان مقصد قرض گرفته شده و توضیح، افزودن اطلاعات تکمیلی بر ترجمه واژه زبان مبدأ است که به دنبال اختلاف‌های فرهنگی با زبان مقصد، ناآشنا یا مبهم به نظر می‌رسد (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۷). این مورد، به‌ویژه زمانی کاربرد دارد که واژه مدنظر از نظر معنایی پیچیده باشد (Baker, 2011, 38).

۲-۱-۲- معادل فرهنگی یا کارکردی

گارسس در توضیح معادل فرهنگی یا کارکردی که به همانندسازی نیز شناخته می‌شود از وینی^۳ و داربلنه^۴ تأثیر پذیرفته است. وینی و داربلنه این اصطلاح را برای اشاره به مواردی به کار می‌برند که زبان‌ها یک موقعیت یکسان را با ابزار ساختاری یا سبکی مختلف توصیف می‌کنند. تعادل به‌ویژه در ترجمه‌کردن [یا معادل‌یابی] واژگان خاص، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها مفید است (1995, 38-39; 2004, 134).

۲-۱-۳- بسط نحوی

بسط نحوی، افزایش واژگانی متن مبدأ در فرایند ترجمه است که به دلیل ضرورت‌های دستوری و نیز مفهومی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، بسط نحوی یک مقوله دستوری/ معنایی است. گارسس درباره بسط نحوی توضیح دقیقی ارائه نداده است؛ زیرا شیوه کاربست افزایش نحوی به قابلیت‌های زبانی مترجم‌ها بستگی دارد (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۸). درباره بسط نحوی می‌توان این توضیح را ارائه داد که معمولاً ترجمه‌ها تمایل دارند از متن اصلی طولانی‌تر باشند و این تمایل، نتیجه دو گرایش خردپرووری و شفاف‌سازی است. خردپرووری و شفاف‌سازی بر گسترش متنی اصرار می‌ورزند؛ زیرا تصور این است که مقوله‌هایی در متن اصلی «پنهان» مانده‌اند (برمان، ۲۰۱۰م، ص ۷۹). خردپرووری بر ساختارهای نحوی متن اصلی اعمال می‌شود و آنها را براساس هنجارهای دستوری زبان مقصد بازنگری می‌کند (همان، ص ۷۶). شفاف‌سازی به خردپرووری پیوسته است. شفاف‌سازی به تعیین‌کنندگی تمایل دارد؛ یعنی می‌خواهد محدود و معین را تحمیل کند تا متن اصلی به صورت شفاف در جامعه مقصد درک‌پذیر شود (همان، ص ۷۸).

۲-۱-۴- قبض نحوی

قبض نحوی، عکس روش قبلی است. قبض نحوی یا کاهش‌یافتگی به معنای برابرساختن یک واژه از زبان مقصد با چند واژه از زبان مبدأ است (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۹).

۲-۱-۵- ابهام

از نگاه گارسس، ابهام در متن اصلی ممکن است عمدی یا سهوی باشد. اگر سهوی باشد، باید آن را برطرف کرد و اگر عمدی باشد، باید آن را به زبان مقصد انتقال داد (همان، ص ۱۳۰). مقوله ابهام، اعم از سهوی یا عمدی، درباره قرآن کریم مصداق ندارد و این موضوع تنها در ترجمه‌های کلام الله مجید به سایر زبان‌ها قابل بررسی است و یکی از نمودهای آن، چندمعنایی برخی از واژگان در بافت زبانی قرآن کریم است. منظور از چندمعنایی در قرآن کریم، برداشت‌ها و تفسیرهای مختلف از واژه‌ای است که در آیات مختلف این کتاب آسمانی تکرار می‌شود.

۲-۱-۶- معادل‌گزینی واژه خاص با واژه عام یا بالعکس

از نگاه گارسس، ترجمه واژگان خاص زبان مبدأ به واژگان عام زبان مقصد یا بالعکس، یعنی معادل‌گزینی واژگان عام زبان مبدأ با واژگان خاص زبان مقصد، یکی از راهکارهای متداول ترجمه و برقراری تعادل بین زبان‌های مبدأ و مقصد است (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۹). کاربست این راهکار، مشروط به خلأ واژگانی در زبان‌های مبدأ و مقصد نیست و اغلب بستگی به سبک و روش مترجم‌ها دارد. در توضیح خلأ واژگانی باید افزود که گرایش زبان‌ها به داشتن واژه‌های عام معمولاً بیش از واژه‌های خاص است؛ زیرا محیط‌های ویژه زبانی، در قیاس با محیط‌های عام زبانی، کمتر و محدودترند؛ بنابراین، تولید واژه‌های خاص نسبت به واژه‌های عام در زبان‌ها کمتر است. نمونه‌های بی‌شماری از این نوع عدم تعادل، بین زبان‌ها وجود دارد؛ برای مثال، زبان انگلیسی، واژه‌های

خاص بسیاری از جمله «feature»، «survey»، «report»، «critique»، «commentary» و «review» را ذیل «article» دارد که پیدا کردن معادل‌های دقیق آنها در زبان‌های دیگر، مشکل و در مواردی غیرممکن است (Baker, 2011, 20).

۷-۱-۲- اقتباس

از نگاه گارسس، اقتباس اشاره به معنای نزدیک یا استفاده از معادل جاافتاده است. به واسطه این راهکار، مضمون متن اصلی از طریق یک موقعیت مشابه انتقال می‌یابد و معمولاً کارکرد فرهنگی دارد (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۸). به نظر می‌رسد گارسس در معرفی این راهکار، متأثر از روش اقتباس^۵ در الگوی وینی و داربلنه (2004, 134-136; 1995, 39-40) است. اقتباس تغییر ارجاع فرهنگی است؛ هنگامی که موقعیت فرهنگ مبدأ در فرهنگ مقصد وجود ندارد. وینی و داربلنه برای مثال پیشنهاد می‌کنند ارجاع به بازی «کریکت» در متن انگلیسی را به بهترین وجه می‌توان با ارجاع به «تور دو فرانس» در زبان فرانسه ترجمه کرد. آنها بر این ادعا هستند که استفاده نکردن از چنین اقتباسی در متن مقصد که از جهاتی «کاملاً صحیح» است، بعضی اوقات «می‌تواند به واسطه وجود لحنی تشخیص‌ناپذیر و چیزی که درست به نظر نمی‌رسد، مشخص شود» (1995, 53). راهکار وینی و داربلنه هرچند درست به نظر می‌رسد و می‌تواند در برخی کاربردهای اصطلاحی موفق باشد، در مجموع، عقلایی به نظر نمی‌رسد (ماندی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۵).

۳- کاربرد سطح معنایی-لغوی الگوی گارسس در ترجمه فولادوند از سوره انعام

مطالعات قرآنی معاصر، علاوه بر افزایش کمی، به لحاظ روش‌ها و رویکردهای پژوهشی، نسبت به سده‌های پیشین، تفاوت چشمگیری داشته است. در واقع، به راهبرد مطالعات میان‌رشته‌ای که در همه حوزه‌های دانش به‌عنوان

یک ضرورت مطرح شده، در حوزه مطالعات قرآنی نیز توجه شده است و دانشمندان و پژوهشگران قرآنی کوشش کرده‌اند برای فهم، تفسیر و ترجمه آیات قرآن از انواع دانش‌ها و روش‌ها استفاده کنند. زبان‌شناسی، معناشناسی و ترجمه در شمار دانش‌هایی هستند که در تعامل عمیق با مباحث قرآنی قرار گرفته‌اند و پژوهش‌های متعددی را با رویکرد میان‌رشته‌ای سامان داده‌اند؛ البته بررسی آثار قرآنی از سده‌های نخستین اسلامی تا به امروز نشان داده است که مباحث مربوط به زبان‌شناسی اعم از واژه‌شناسی، ریشه‌شناسی و دستور و همچنین، کشف معانی قرآن از سطح واژگان تا ورای سطح واژگان که شامل آیات می‌شود، همواره در محور و مرکز توجه دانشمندان قرآنی بوده است؛ اما بدون تردید دانش‌های مذکور با سازوکارهای امروزی از جمله مسائلی که در بخش مبانی نظری پژوهش ذکر شده‌اند، مدنظر پیشینیان نبوده است.

۱-۳- تعریف یا توضیح

بهاء‌الدین خرمشاهی معتقد است ترجمه فولادوند از قرآن کریم، مذهب، متین، سراسرست و فاقد گرایش‌های خاص و افراطی است. همچنین، کمال مطابقت با متن مقدس قرآن کریم را دارد. مترجم ترجمه خود را با دیگر ترجمه‌های قرآنی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، هندی و اروپایی مطابقت داده و لغات، ضمایر، حروف مؤکده و مقدره و روابط ترکیبی کلمات را در نظر داشته و مساوی با اصل متن، در ترجمه آورده است و الحق والانصاف معنی و مقصود بلند این کتاب آسمانی را باز نموده و منتقل کرده است. وی هر جا که در برگردان فارسی نیاز به توضیح، لازم و ضروری می‌نماید، اشاراتی را داخل کرونه آورده است. در برخی موارد نیز مجبور به پانویس درباره توضیح و ترجمه آیه و واژه‌های آن شده و گویی با این کار، ترجمه را از تفسیر جدا ساخته است. در برخی پانویس‌ها به وجوه قراءات و معانی آیات بر طبق آن وجوه و براساس تخصص زبان‌شناسی خویش به معادل لاتین

۲-۳- معادل فرهنگی یا کارکردی

راهکار معادل فرهنگی یا کارکردی، شامل جایگزین کردن یک مقوله یا عبارت مختص به فرهنگ مبدأ با معادلی در زبان مقصد است که ممکن است معنای منطقی مشابهی با مبدأ خود نداشته باشد؛ ولی به احتمال زیاد همان تأثیر را بر کاربران زبان مقصد می‌گذارد. مزیت اصلی استفاده از این راهکار، مفهومی است که مترجم به کاربران زبان مقصد ارائه می‌دهد تا آنها بتوانند ماهیتی آشنا و خوشایند را تشخیص دهند. تصمیم مترجم در استفاده از این راهکار، اغلب به سه مورد بستگی دارد: نخست اینکه مترجم چقدر از طرف افرادی که ترجمه را به او سفارش داده‌اند، آزادی عمل دارد؛ دوم اینکه هدف از ترجمه چیست؛ و سوم اینکه داور مترجم درباره روشن ساختن یا مبهم کردن موارد خاص فرهنگی متن مبدأ چیست (Baker, 2011, 29). فولادوند در مواجهه با واژگان خاص و مقید به فرهنگ قرآن کریم، دو انتخاب متفاوت دارد: نخست وام‌گیری و دوم معادل‌گزینی.

۱-۲-۳- وام‌گیری و صرف‌نظر از معادل‌گزینی

فرایند وام‌گیری فولادوند از قرآن کریم، گاهی با حفظ صورت واژگان متن اصلی و گاهی نیز با تغییر صورت آنها ممکن شده است. در توضیح این نکته باید افزود مترجم براساس تفاوت‌های آوایی و دستوری (ساخت‌واژی) زبان فارسی از زبان عربی، تغییراتی را در نگارش واژگان وام گرفته شده، صورت داده است.

﴿قُلْ لِلَّهِ كُتُبٌ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةِ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (الأنعام: ۱۲/۶) «بگو از آن خداست که رحمت را بر خویشان واجب گردانیده است یقیناً شما را در روز قیامت که در آن هیچ شکی نیست گرد خواهد آورد» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند واژه ﴿الْقِيَامَةِ﴾ را به صورت «قیامت» وام گرفته است. وی به دلیل تفاوت‌های

برخی واژه‌ها نیز اشاره کرده است (سلطانی رنانی، ۱۳۸۴ش، صص ۱۰۸-۱۰۷)؛ با این حال، مترجم در ترجمه سوره انعام به ندرت از راهکار تعریف و توضیح استفاده کرده است:

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ (الأنعام: ۹۲/۶). «و این خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیم [و] کتاب‌هایی را که پیش از آن آمده تصدیق می‌کند و برای اینکه [مردم] ام‌القری [= مکه] و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند به آن [قرآن نیز] ایمان می‌آورند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجم اصطلاح «أُمَّ الْقُرَىٰ» را عیناً و بدون دستکاری در ترجمه خود وام گرفته است؛ زیرا اصطلاح مذکور از نام‌های مکه و در زمره اعلام مکانی است که ترجمه غیرمستقیم یا معنایی آنها معمولاً توصیه نمی‌شود و بهتر است با حفظ امانت‌داری در نگارش، وام گرفته شوند؛ با این حال، مترجم ضمن تعهد به راهکار وام‌گیری، مصمم به شناساندن اصطلاح مذکور است؛ بنابراین، واژه «مکه» را که نزد مخاطبان کاملاً شناخته شده، بعد از «أُمَّ الْقُرَىٰ» در گروه آورده است.

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا﴾ (الأنعام: ۶۵/۶). «بگو او توانست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد]» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). عبارت ﴿يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا﴾ در آیه مذکور از نظر معنایی و مضمونی پیچیده است؛ بنابراین، مترجم عبارت توضیحی داخل گروه معنی «[و دچار تفرقه سازد]» را بر ترجمه «شما را گروه گروه به هم اندازد» افزوده است تا ضمن تشریح عبارت قرآنی، علت آن را نیز تبیین کند.

مترجم می‌توانست «اعراض» را معادل‌گزینی و آن را به «روی‌برافتن» یا «روی‌برگرداندن» ترجمه کند.

۲-۲-۳- معادل‌گزینی

«از نظر سوزان بسنت آنچه در فرایند ترجمه مشکل‌آفرین جلوه می‌کند، از جایگزینی صرف اقسام واژگانی و دستوری میان دو زبان فراتر می‌رود» (عبدالرئوف، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵). فولادوند در مواجهه با شرایط مذکور، راهبرد معادل‌گزینی را مدنظر قرار داده است.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۴۰). «بگو به نظر شما اگر عذاب خدا شما را در رسد یا رستاخیز شما را در باید اگر راست‌گویید کسی غیر از خدا را می‌خوانید» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجم واژه «السَّاعَةُ» را در راستای مقصدمحوری به «رستاخیز» ترجمه کرده است. براساس بافت آیه، وی می‌توانست به جای معادل‌گزینی از راهبرد وام‌گیری نیز استفاده کند. به نظر می‌رسد ترجیح یک راهبرد بر دیگری، همواره هدفمند نیست.

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۸۵). «و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند واژه «شایستگان» را معادل واژه «الصَّالِحِينَ» در نظر گرفته است. وی در چهارچوب معادل‌گزینی می‌توانست از واژه «نیکوکاران» نیز استفاده کند و حتی راهبرد ترجمه «الصَّالِحِينَ» را از معادل‌گزینی به وام‌گیری تغییر دهد.

﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۱۲۷). «برای آنان نزد پروردگارشان سرای عافیت است و به [پاداش] آنچه انجام می‌دانند او یارشان خواهد بود» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجم در راستای استفاده از راهبرد معادل‌گزینی عبارت «دَارُ السَّلَامِ» را با «سرای عافیت» و واژه «وَلِيٌّ» را با «یار» برابر ساخته

ساخت‌وازی و نگارشی زبان مقصد از زبان مبدأ ناگزیر به حذف «آل» و نیز نگارش «ة» به صورت «ت» شده است.

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (الأنعام: ۶/ ۷۵). «و این‌گونه ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایانیم» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند واژه «مَلَكُوتِ» را با حفظ صورت از سوره انعام وام گرفته است؛ واژه مذکور به دلیل اضافه شدن به واژه «السَّمَاوَاتِ» ضرورتی برای پذیرفتن «آل» ندارد و به همین دلیل، نظام ساخت‌وازی و آوایی آن در زبان فارسی بدون تغییر مانده است.

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (الأنعام: ۶/ ۵۹). «و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی‌داند و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ‌تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند واژه‌های «الْغَيْبِ» و «كِتَابٍ» را به صورت «غیب» و «کتابی» وام گرفته است. قوانین متفاوت ساخت‌وازی زبان‌های عربی و فارسی در زمینه آوانگاری اسامی معرفه (شناس) و نکره (ناشناس)، مترجم را در موقعیتی قرار داده است که نتواند به حفظ صورت واژگان مبدأ در مقصد متعهد بماند.

﴿وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ﴾ (الأنعام: ۶/ ۳۵). «و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است، اگر می‌توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن]» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند «إِعْرَاضُ» را به «اعراض کردن» ترجمه کرده است. صرف‌نظر از مباحث آوایی و دستوری مرتبط با این تصمیم، به نظر می‌رسد

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ﴾ (الأنعام: ۶ / ۹). «و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را [به صورت] مردی درمی‌آوردیم و امر را همچنان بر آنان مشتبه می‌ساختیم» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند عبارت «[به صورت]» را بر ترجمه واژه ﴿رَجُلًا﴾ افزوده است تا بدین وسیله مفعول دوم فعل «جعل» در زبان فارسی با دریافت بهتر و دقیق‌تری از نظر دستوری / معنایی همراه شود.

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (الأنعام: ۶ / ۱۴۹). «بگو برهان رسا و ویژه خداست و اگر [خدا] می‌خواست قطعاً همه شما را هدایت می‌کرد» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند ضمیر فعل ﴿شَاءَ﴾ را با وجود قرینه لفظی، اظهار کرده است تا به واسطه بسط نحوی، بتواند ترجمه دقیق و صریحی را به مخاطبان ارائه دهد.

۳-۴-۳- قبض نحوی

در قبض نحوی با کاهش متن اصلی در متن مقصد مواجهیم که معمولاً براساس ضرورت‌های دستوری / معنایی صورت می‌گیرد.

۱-۴-۳- تبدیل جمله‌واره به اسم

فولادوند در ترجمه سوره انعام، گاهی جمله‌واره متن اصلی را تا سطح یک واژه در متن مقصد کاهش داده است. ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (الأنعام: ۶ / ۱۰). «و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند؛ پس آنچه را ریشخند می‌کردند، گریبان‌گیر ریشخندکنندگان ایشان شد» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجم واژه «ریشخندکنندگان» را جایگزین جمله‌واره ﴿الَّذِينَ سَخِرُوا﴾ کرده است.

﴿قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِي الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ

است. همان‌طور که قبل از این اشاره شد، مقوله معادل‌گزینی، انتخاب‌های مترجم را از فرهنگ واژگانی زبان مقصد توسعه می‌دهد و بنابراین، وی می‌تواند نسبت به انتخاب‌های دیگر یا انتخاب‌های بهتر درنگ داشته باشد. افزون بر این، تغییر راهبرد ترجمه از معادل‌گزینی به وام‌گیری در آیه مذکور نیز اجراشدنی است.

۳-۳-۳- بسط نحوی

در ترجمه قرآن کریم برای رساندن «مفهوم آیه به مخاطب، مترجم باید واژه‌هایی را به کار ببرد که معانی الفاظ متن اصلی را برساند یا حتی در صورت امکان بر معانی ضمنی الفاظ اصلی هم دلالت کند؛ در غیر این صورت به وسیله قراین آن معنا را برساند تا معانی آیه، همان‌گونه که هست، در ترجمه منعکس شود. در برخی موارد، به منظور رساندن تمام مراد، واژه‌ای در ترجمه افزوده می‌شود که این افزوده‌ها تا هنگامی که سلامت معنا حفظ شود، مانعی ندارد» (معرفت، ۱۳۹۱ش، ص ۱۵۹ در ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳ش، ص ۸۵). به عبارت دیگر، بسط نحوی متن‌افزایی را به دنبال دارد و به همین دلیل، مترجم باید در این زمینه آگاهانه عمل کند و از مهارت لازم برخوردار باشد.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ (الأنعام: ۶ / ۱). «ستایش خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد؛ با این همه کسانی که کفر ورزیده‌اند [غیر او را] با پروردگار خود برابر می‌کنند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند به منظور نزدیک‌ساختن نظام دستوری / معنایی آیه به دستور زبان فارسی، عبارت «[غیر او را]» بر ترجمه خود افزوده است تا کاربران زبان مقصد، برداشت دقیقی از عبارت ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ به دست آورند.

مشتق معمولاً به صورت مفرد ترجمه می‌شود؛ همان‌طور که صفت مثنی و جمع به صورت مفرد ترجمه می‌شود؛ اگرچه در زبان عربی مفرد نباشد.

﴿فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۴۴). «و یکباره نومید شدند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش)؛ ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَنَذِيرِينَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۴۸). «و ما پیامبران [خود] را جز بشارتگر و هشداردهنده نمی‌فرستیم» (فولادوند، ۱۳۹۵ش) و ﴿وَإِذَا يُنَادِي الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۶۸) «و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه [دیگر] با قوم ستمکار منشین» (فولادوند، ۱۳۹۵ش)، نمونه‌های دیگری از قبض نحوی به دلیل هنجارهای دستوری زبان فارسی هستند. در توضیح باید افزود در این آیه‌ها ﴿مُبْلِسُونَ﴾ (نومیدان) به «نومید»؛ ﴿مُبَشِّرِينَ وَنَذِيرِينَ﴾ (بشارتگران و هشداردهندگان) به «بشارتگر و هشداردهنده»؛ و ﴿الظَّالِمِينَ﴾ (ستمکاران) به «ستمکار» ترجمه شده است.

۳-۵-۳- ابهام

سابق بر این اشاره شد که مقوله ابهام تنها در ترجمه‌های قرآن کریم درخور بحث و بررسی است و یکی از نمودهای مشهور آن، ترجمه‌ای است که مترجمان از واژگان چندمعنا ارائه داده‌اند. زمانی که مبحث چندمعنایی، درون یک فضای زبانی مطرح می‌شود، سخن از یک واژه است که می‌تواند در معانی متعدد به کار برده شود. بررسی ترجمه فولادوند از سوره انعام نشان داد وی واژگان چندمعنا را گاهی براساس بافت آیه و گاهی جدای از بافت ترجمه کرده است. افزون بر این، ترجمه متفاوت وی از واژگان تکرار شده در یک آیه نیز گاهی به بازنگری نیاز دارد.

۳-۵-۱- تشخیص معنای واژه در بافت آیه

واژه «ظلم (ظ لم) در قرآن کریم بر نه وجه است: شرک، گناه غیر از شرک، قتل، کم‌دادن، ستم کردن به

﴿خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فُهِمَ لَأَ يُؤْمِنُونَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۱۲). «بگو آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن کیست. بگو از آن خداست که رحمت را بر خویشان واجب گردانیده است؛ یقیناً شما را در روز قیامت که در آن هیچ شکی نیست گرد خواهد آورد خودباختگان کسانی‌اند که ایمان نمی‌آورند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند عبارت ﴿خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ را به «خودباختگان» ترجمه کرده است.

﴿وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرْمًا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ﴾ (الأنعام: ۶/ ۱۴۶). «و بر یهودیان هر [حیوان] چنگال‌داری را حرام کردیم» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند در ترجمه جمله‌واره ﴿الَّذِينَ هَادُوا﴾ واژه «یهودیان» را ذکر کرده است.

۳-۴-۲- ترجمه جمع به مفرد

ترجمه‌شدن جمع به مفرد، یکی دیگر از نمودهای قبض نحوی در ترجمه فولادوند است. موضوع شمار دستوری اگر بیرون از بافت متن بررسی شود، یک مقوله صرفی / ساخت‌وازی است و اگر در بافت متن بررسی شود، یک مقوله نحوی / نقشی خواهد بود.

﴿وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۲۶). «[ولی] جز خویشان را به هلاکت نمی‌افکنند و نمی‌دانند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). فولادوند در این آیه عبارت ﴿أَنْفُسَهُمْ﴾ را که متشکل از دو اسم جمع است، به «خویشان» که ساختاری مفرد دارد، ترجمه کرده است. در مواردی نیز مترجم براساس تفاوت‌های دستوری / معنایی زبان فارسی از زبان عربی، ناگزیر است صورت‌های جمع را به صورت‌های مفرد ترجمه کند.

﴿وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾ (الأنعام: ۶/ ۲۹). «و برانگیخته نخواهیم شد» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجم واژه ﴿مَبْعُوثِينَ﴾ (برانگیختگان) را براساس ضوابط دستوری و معنایی زبان فارسی به صورت مفرد، یعنی «برانگیخته» ترجمه کرده است. این امر به تفاوت بین ساختار زبان‌های عربی و فارسی بر می‌گردد؛ زیرا در زبان فارسی، خبر جمع

واژه در آیه ۱۲۲ سوره انعام به معنای «هدایت» است (همان).

۳-۵-۳- دو ترجمه متفاوت از یک واژه در یک آیه

﴿الْمُ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾ (الأنعام: ۶/۶). «آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار امت‌ها را هلاک کردیم [امت‌هایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده‌ایم و [باران‌های] آسمان را پی‌درپی بر آنان فرو فرستادیم و رودبارها از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم، پس ایشان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم و پس از آنان نسل‌های دیگری پدید آوردیم» (فولادوند، ۱۳۹۵). در این آیه قرن (بر وزن عقل) در اصل به معنی جمع کردن است، «القرن: القوم المقترنون في زمان واحد» و جمع آن قرون است. قرن، جماعتی را گفته‌اند که در یک زمان نزدیک به هم زندگی می‌کنند؛ یعنی جمع‌شده‌ها (قرشی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۵۰). فولادوند واژه ﴿قَرْنٍ﴾ در عبارت ﴿الْمُ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ﴾ را «امت‌ها» ترجمه کرده و در انتهای آیه، یعنی در عبارت ﴿وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾ آن را به «نسل‌ها» ترجمه کرده است. بر همین اساس، ترجمه این واژه دارای ابهام است و بهتر بود فولادوند، واژه ﴿قَرْنٍ﴾ را به معنای حقیقی خود که همان «قوم، جماعت یا گروه است» ترجمه می‌کرد.

۳-۶- معادل‌گزینی واژه خاص با واژه عام یا بالعکس

بررسی ترجمه فولادوند از سوره انعام نشان داد وی در مواردی واژگان با معنای خاص این سوره را در زبان فارسی با واژگان عام برابر ساخته و گاهی نیز بالعکس فرایند مذکور عمل کرده است.

مردم، زیان، ستمکار، انکار کردن قرآن و دزدی» (دامغانی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۰۵).

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (الأنعام: ۸۲/۶). «کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). واژه ﴿ظَلَمَ﴾ در آیه یادشده به معنای «شرک» است (دامغانی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۰۵) و مترجم آن را درست تشخیص داده است.

۳-۵-۲- عدم تشخیص معنای واژه در بافت آیه

واژه «نور (ن و ر) در قرآن کریم بر ده وجه است: دین اسلام، ایمان، هدایت‌کننده، پیامبر، روشنایی روز، روشنایی ماه، روشنایی مؤمنان بر پل صراط، بیان حلال و حرام و امر و نهی در تورات، بیان حلال و حرام در قرآن و عدالت» (دامغانی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۹۷).

﴿وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ﴾ (الأنعام: ۱۲۲/۶). «و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود» (فولادوند، ۱۳۹۵ش)؛ ﴿وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ﴾ (الأنعام: ۱/۶). «و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد» (فولادوند، ۱۳۹۵ش)؛ ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ﴾ (الأنعام: ۹۱/۶). «بگو چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). واژه ﴿نُورٍ﴾ در آیات مذکور به ترتیب به معنای «ایمان» یعنی «ایماناً یهتدی به»، «روشنایی روز» و «بیان حلال و حرام و امر و نهی در تورات» است (دامغانی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۹۷) که مترجم در تشخیص و ترجمه دقیق آنها کاملاً ناموفق است. افزون بر این، وی در تشخیص معنای واژه ﴿يَمْشِي﴾ نیز موفقیتی ندارد؛ واژه «مشی (مشی) در قرآن کریم بر چهار وجه است: گذشتن، هدایت، عبورکردن و راه رفتن» (دامغانی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۷۹). این

۱-۶-۳- معادل‌گزینی خاص با عام

این یکی از متداول‌ترین راهکارهای ترجمه است و در بیشتر زبان‌ها کاربرد دارد؛ زیرا ساخت سلسله‌مراتبی حوزه‌های معنایی، مختص به یک زبان خاص نیست (Baker, 2011: 23).

﴿وَتَقَلَّبُ أَعْيُنَهُمْ فَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَ مَرَّةٍ وَنَذَرَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (الأنعام: ۱۱۰/۶). «و دل‌ها و دیدگان‌شان را برمی‌گردانیم [در نتیجه به آیات ما ایمان نمی‌آورند] چنانکه نخستین بار به آن ایمان نیاوردند و آنان را رها می‌کنیم تا در طغیان‌شان سرگردان بمانند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجم واژه ﴿يَعْمَهُونَ﴾ به معنای «کور بمانند» یا «کوردل بمانند» را در چهارچوب معادل‌گزینی واژه خاص با واژه عام به «سرگردان بمانند» ترجمه کرده است. در توضیح باید افزود دامنه معنایی سرگردان‌ماندن، بیشتر از کورماندن یا کوردل ماندن است و بنابراین، به رأس هرم معنایی خود نزدیک‌تر است.

۳-۶-۲- معادل‌گزینی عام با خاص

ترجمه عام به خاص، عکس ترجمه خاص به عام است. بر اساس این روش، مترجم واژگان زبان مبدأ را که دارای معنایی عام هستند با واژگانی از زبان مقصد که معنایی خاص دارند، برابر می‌سازد.

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ (الأنعام: ۴۴/۶). «پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند، فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شاد گردیدند، ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجم واژه ﴿ذُكِّرُوا﴾ به معنای «یادآوری شده بودند» یا «تذکر داده شده بودند» را براساس راهبرد معادل‌گزینی واژه عام با خاص به «پند داده شده بودند» ترجمه کرده است.

﴿أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾ (الأنعام: ۶۲/۶).

«آگاه باشید که داوری از آن اوست و او سریع‌ترین حساب‌رسان است» (فولادوند، ۱۳۹۵ش). مترجمان در ترجمه این آیه، اغلب واژه ﴿الْحُكْمُ﴾ را وام گرفته‌اند و نیز در مواردی آن را به «فرمانروایی»، «حکومت» و «داوری» معنا کرده‌اند. داوری در مقایسه با واژه حکم و سایر معانی آن، یک واژه خاص است و فولادوند از جمله مترجمانی است که داوری را به‌عنوان ترجمه حکم انتخاب کرده است.

۷-۳- اقتباس

همان‌طور که پیش از این اشاره شد اقتباس یک راهبرد غیرعقلایی و افراطی در ترجمه است و منظور از آن، تغییر اساسی ارجاع زبان مبدأ در زبان مقصد است؛ به این دلیل که مقوله خاص زبان مبدأ در زبان مقصد شناخته شده نیست. راهبرد مذکور، نمودی در ترجمه فولادوند از سوره انعام ندارد.

۴- نتیجه‌گیری

تحلیل ترجمه فولادوند از سوره انعام در سطح معنایی- لغوی نشان داد راهبردهای پیشنهادی گارسس در این سطح را نمی‌توان به‌صورت کامل در ترجمه قرآن کریم به کار بست؛ برای مثال، متن قرآن کریم از ابهام خالی است و بنابراین، اگر قرار به تشخیص ابهام باشد، باید این مقوله را نه در متن اصلی، در ترجمه‌های قرآن کریم به بحث گذارد. افزون بر این، راهبرد اقتباس به این دلیل که به مترجم مجوز تغییر ارجاع خاص زبان مبدأ را در زبان مقصد می‌دهد، یعنی این امکان را به مترجم می‌دهد که به‌جای ارجاع حذف‌شده از متن اصلی، ارجاعی متفاوت از زبان مقصد را انتخاب کند که در ترجمه‌های قرآن کریم نمودی ندارد؛ به‌ویژه آنکه راهبرد مذکور را یک راهبرد غیرعقلایی و غیرمنطقی در مطالعات ترجمه در نظر گرفته‌اند. سایر

است تا به ساختارها و مضامینی متفاوت از دیگران دست یابد. در تأیید این مورد می‌توان گفت مترجم گاهی از معادل‌یابی فرهنگی صرف‌نظر کرده و به وام‌گیری روی آورده است یا در مقوله ابهام، واژه‌ای را که در یک آیه تکرار می‌شود و معنای مشخصی نیز دارد، به دو صورت متفاوت ترجمه کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

1. Carmen Valero Garcés
2. Antoine Berman
3. Jean-Paul Vinay
4. Jean Darbelnet
5. adaptation
6. Susan Bassnett

کتابنامه

- القرآن الکریم.
- آذرشب، محمدعلی، ملک‌ی، معصومه و لیلا اسداللهی. (۱۳۹۸ش). تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای براساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر). *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۶(۱۲)، ۲۶۰-۲۲۵.
- ابراهیمی، ابراهیم، طهماسبی بلداجی، اصغر و باب‌الله محمدی نبی‌کندی. (۱۳۹۳ش). تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن کریم (با محوریت سوره‌ی اسراء). *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۴(۱۱)، ۸۳-۱۱۲.
- امرائی، محمدحسن. (۱۳۹۷ش). نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴م). (مطالعه موردی: سوره بقره). *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۵(۱۰)، ۴۶-۱.
- برمان، أنطوان. (۲۰۱۰م). *الترجمة والحرف أو مقام البعد*. ترجمه و تقدیم عزالدین الخطابی. *مراجعة جورج كتورة*. الطبعة الأولى. بیروت: المنظمة العربية للترجمة.

راهبردهای مدنظر گارسس در سطح معنایی-لغوی از قابلیت اجرایی در ترجمه‌های قرآن کریم برخوردارند؛ برای مثال، فولادوند از راهبرد تعریف یا توضیح با هدف ترجمه تفسیری از راهبرد معادل‌یابی فرهنگی یا کارکردی با هدف انتقال ظرفیت تأثیرگذاری متن اصلی به متن مقصد، از راهبردهای بسط نحوی و قبض نحوی با هدف ترجمه براساس هنجارهای دستوری زبان مقصد و از راهبرد معادل‌گزینی واژه خاص با عام یا بالعکس با هدف دستیابی به یک ترجمه متفاوت از دیگران یا چیزی شبیه این استفاده کرده است.

درباره توضیح و تفسیر واژه‌ها، فولادوند هر زمان در ترجمه سوره انعام نیاز به توضیح، لازم و ضروری بوده، اشاراتی را داخل کروشه‌ها آورده است. علاوه بر این، وی در ترجمه واژه‌ها و اصطلاحات خاص فرهنگی، ترجیح داده است آنها را از متن اصلی وام بگیرد یا معادل‌یابی کند و در صورت لزوم برای توضیح هریک از این موارد، معادل مشهور یا توضیحی را در کروشه‌ها ذکر کند. مترجم در زمینه بسط نحوی (افزایش) و قبض نحوی (کاهش) براساس سبک و روش خود در ترجمه و نیز هنجارهای دستوری زبان فارسی عمل کرده است؛ به این معنا که تفاوت‌های دستوری زبان فارسی از زبان عربی، به‌تنهایی عامل بسط و قبض نحوی در ترجمه فولادوند از سوره انعام نیست و در این بین باید روش مترجم در ترجمه را نیز مؤثر دانست. در بحث ابهام، فولادوند گاهی در تشخیص معنای واژگان براساس بافت آیات سوره موفق عمل کرده و گاهی نیز در این زمینه ناموفق است. بر این مورد باید ترجمه متفاوت و ابهام‌آفرین مترجم از یک واژه تکرار شده در یک آیه را نیز افزود. در مقوله ترجمه واژگان خاص به عام و نیز عام به خاص، مترجم با خلأ واژگانی در متن مقصد مواجه نیست که اگر چنین بود، می‌توانست از راهبرد وام‌گیری استفاده کند؛ به‌ویژه آنکه متن مورد ترجمه، قرآن کریم است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد وی در واژه‌گزینی، بیشتر براساس سبک خاص خود عمل کرده

- نیازی، شهریار، و زینب قاسمی اصل. (۱۳۹۷ش). *الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی): ویژه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری مطالعات ترجمه عربی*. تهران: دانشگاه تهران.
- هاشمی، انسیه سادات. (۱۳۹۸). *مطالعه تطبیقی کارآمدی الگوهای گارسس و برمن در نقد ترجمه قرآن*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- Baker, Mona. (2011). *In Other Words: A coursebook on translation*. Second edition. London and New York: Routledge.
- Garcés, Carmen Valero. (1994) "A methodological proposal for the assessment of translated literary works: a case study, the scarlet letter by n. hawthorne into spanish". *Babel*. 40(2). 77-102.
- Vinay, Jean-Paul and Darbelnet Jean. (1958/ 1995) *Comparative Stylistics of French and English: A Methodology for Translation*. Translated and Edited by Juan C. Sager and Marie-J. Hamel. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamin's. Original French published 1958 as *Stylistique comparée du Français et de l'anglais*. Paris: Didier.
- Vinay, Jean-Paul and Darbelnet Jean. (1995/ 2004) "A methodology for translation". Translated by Juan C. Sager and Marie-J. Hamel. in *L. Venuti (ed.) (2004). The Translation Studies Reader*. London and New York: Routledge. 128-137.
- جلالی، سید لطف الله. (۱۳۸۹ش). ترجمه معنایی از منظر میلدرد لارسون. پژوهش، ۲(۱)، ۱۱۹-۱۳۶.
- جوهری، سید محمدحسن. (۱۳۹۵ش). *روش‌شناسی ترجمه قرآن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دامغانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۸ش). *واژه‌نامه وجوه و نظایر در قرآن کریم*. تحقیق: طلال سالم الحدیثی و عادل الدرّه. ترجمه: عبدالجبار غواصی. مقابله و ویرایش: مجید احمدی. چاپ اول. شیراز: ایلاف.
- رحیمی خویگانی، محمد. (۱۳۹۶ش). نقد واژگانی ترجمه موسوی گرماردی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس). *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۷(۱)، ۶۹-۹۴.
- سلطانی رنانی، سیدمهدی. (۱۳۸۴ش). نقد ترجمه استاد فولادوند. پژوهش‌های قرآنی، ۴۴، ۱۱۵-۱۰۶.
- عبدالرئوف، حسین. (۱۳۸۹ش). جنبه‌های فرهنگی در ترجمه قرآن. ترجمه ابوالفضل حری و ملیحه بنی‌فاطمی. *حسنا*، ۱(۴)، ۳۳-۱۴.
- فراهی، رعنا. (۱۳۹۷ش). بررسی ترجمه‌های قرآن کریم براساس مدل گارسس (مطالعه موردی: سوره‌های الطور، الحاقه و البلد در ترجمه‌های بهاء‌الدین خرمشاهی، طاهره صفارزاده و محمود حسن شیخ الهندی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۹۵ش). ترجمه قرآن کریم. تهران: پیام عدالت.
- قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۹۱ش). *تفسیر احسن الحدیث*. قم: نوید اسلام.
- ماندی، جرمی. (۱۳۹۷ش). *معرفی مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردها (ویراست چهارم)*. ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک. تهران: رهنما.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۹۱ش). *تفسیر و مفسران*. قم: تمهید.

Bibliography

The Holy Quran.

Abdul-Raouf, Hosein. (2010). "Cultural aspects in Quran translation". Translated by Abolfazl Horri and Maliheh Bani Fatemi. *Hosna*. 1(4). 14-33.

Amraei, Mohammad Hasan. (2019). "A Review and evaluation of the quality of Ayatollah Yazdi's translation of the

- Garcés, Carmen Valero. (1994) "A methodological proposal for the assessment of translated literary works: a case study, the scarlet letter by n. hawthorne into spanish". *Babel*. 40(2). 77-102.
- Hashemi, Ensieh Sadat. (2019). *A comparative study of the effectiveness of the caccés's eeee a h eennan'nn model in criticizing the translation of the Quran*. PhD dissertation. Tehran: University of Tehran.
- Jalali, Sayyed Lotfollah. (2010). "Semantic translation from the perspective of Mildred Larson". *Research*. 2(1). 119-136.
- Javaheri, Sayyed Mohammad Hasan. (2016). *Methodology of Quran translation*. Qom: Research institute of Hawzah and university.
- Ma'refat, Mohamad Hadi. (2012). *Tafsir and commentators*. Qom: Tamhid.
- Munday, Jeremy. (2014). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications* (Fourth Edition). Translated by Ali Bahrami and Zainab Tajik. second edition. Rahnama.
- Niazi, Shahriar and Ghasemi Asl, Zainab. (2018). *Models of translation assessment (based on Arabic language): especially eaeeee'eæ DhD students of Arabic translation studies*. Tehran: University of Tehran.
- Qorashi, Sayyed Ali Akbar. (2012). *Tafsir Ahsan Hadith*. Qom: Navid Islam.
- Rahimi khovaygani, Mohammad. (2017). "The lexical critique of Mousavi Garmaroudi's translation of the Holy Quran (Relying on the lexical-semantic theory of Garcés)". *Translation Studies of Quran and Hadith*. 4(7). 69-94.
- Sultani Rinani, Mahdi. (2006). "A Review of the Translation of Professor Mohammad Mahdi Fouladvand". *Quranic Researches (Special Issue)*. 11(44). 106-115.
- Vinay, Jean-Paul and Darbelnet Jean. (1958/ 1995) *Comparative Stylistics of Holy Quran relying on the theory of Garces*. (1994) (Case Study: Surah Al-Baqarah)". *Translation Studies of Quran and Hadith*. 5(10). 1-46.
- Azar Shab, Mohammad Ali, Maleki; Masumeh and Asadollahi, Leila. (2020). "Adapting and evaluating the translations of the Holy Quran by Fooladvand and Elahi Qomshei Based on Garces model (Case Study: Surah Mubarak Al-Qamar)". *Translation Studies of Quran and Hadith*. 6(12). 225-260.
- Baker, Mona. (2011). *In Other Words: A coursebook on translation*. Second edition. London and New York: Routledge.
- Berman, Antoine. (2010). *La traduction et a e'aeaeaeae ooitai n*. Translated and presented by Ezzedine Al-Khattabi. Reviewed by George Katura. First edition. Beirut: The Arab Organization for Translation.
- Damghani, Hosein ibn Mohammad. (2019). *Glossary of aspects and analogies in the Holy Quran*. Translated by Abdul-Jabbar Ghawasi. First Edition. Shiraz: Ilaf.
- Ebrahimi, Ebrahim, Tahmasebi Boldaji, Asghar and Mohammadi Nabi Kendi, Bab Allah. (2014). "Analyzing and Studying of Expository additions in Six Contemporary Translations of Quran (With a focus on Surah Al-Israa)". *Translation Researches in the Arabic Language And Literature*. 4(11). 83-112.
- Farhadi, Rana. (2018). *Study of the translations of Holy Quran based on the caccés's model (Case study: Al-Tour, Al-Haghah and Al-Balad Suras in the ssassasī Baha'B i Khorramshahi, Tahereh Saffarzadeh and Mahmoud Hasan Shaykh Al-Hend)*. Master's thesis. Tabriz: Azarbaijan Shahid Madani University.
- Fouladvand, Mohammad Mahdi. (2016). *Translation of the Holy Quran*. Tehran: Payam Adalat.

Vinay, Jean-Paul and Darbelnet Jean. (1995/ 2004) "A methodology for translation". Translated by Juan C. Sager and Marie-J. Hamel. in *L. Venuti (ed.) (2004). The Translation Studies Reader. London and New York: Routledge. 128-137.*

French and English: A Methodology for Translation. Translated and Edited by Juan C. Sager and Marie-J. Hamel. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamin's. Original French published 1958 as *Stylistique comparée du Français et de L'a i eshsss see uuauutinn.* Paris: Didier.

